



• دکتر علیرضا دهقان<sup>۱</sup>  
استادیار ارتباطات دانشگاه تهران

اینترنتی است. اینها بیشتر به جنبه‌های فنی فناوری دیجیتال معطوف است که فرصتهایی را به‌خصوص برای مخاطبان و کاربران فراهم می‌کند، ولی به‌هیچ‌وجه به‌معنای افزایش وجوه کیفیت روزنامه‌نگاری مثل عینیت، اصالت و اعتبار منابع خبر و پاسخ‌گویی روزنامه‌نگاران در قبال تولیدات خبری و گزارش‌های خودشان نیست.

همچنین بدیعی (۱۳۸۴) در مقاله «روزنامه‌نگاری در جامعه اطلاعاتی»، نتیجه‌گیری می‌کند که رشد روزنامه‌های الکترونیک و تارنما‌های خبری تحولی در شیوه جست‌وجو، کسب خبر و آگاهی مردم از رویدادها را به‌وجود آورده است و دسترسی به حجم اطلاعات را بیشتر و آسان کرده است. این امر موجب ازمیان رفتن روزنامه‌های مرسوم نمی‌شود، ولی این نوع روزنامه‌ها را دچار تغییراتی خواهد کرد. از جمله این تغییرات گرایش به عدم تمرکز در ارائه خبر، تولید گزارش‌های متنوع از مسائل اجتماعی به‌میزانی بیشتر از آنچه تاکنون معمول بوده است توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان، ایجاد تحول در صفحه‌آرایی و مهم‌تر از همه تلاش بیشتر برای جلب اعتماد و رضایت خوانندگان می‌باشد. تحقیق تجربی نویسنده مذکور براساس مصاحبه با ۱۲۰۰ شهروند تهرانی درباره میزان اعتماد به روزنامه‌های کشور، رادیو، تلویزیون، دوستان و خویشاوندان، رادیو و تلویزیون‌های خارجی، و اخبار شبکه جهانی اینترنت نشان‌دهنده این است که درباره خبرهای متناقض، تلویزیون داخلی اولین منبع مورد اعتماد (۴۲/۸) درصد پاسخ‌دهندگان اظهار اعتماد کرده‌اند) است و پس از آن اخبار اینترنت اعتماد بیشتری نسبت به سایر

## روزنامه‌نگاری بر خط (آنلاین)

درباره روزنامه‌نگاری بر خط (آنلاین)، به‌ویژه درباره جنبه‌هایی مثل تفاوت‌ها و شباهت‌هایش با روزنامه‌نگاری مرسوم، خصلت‌های مثبت و امیدوارکننده آن، رابطه‌اش با بحث آزادی بیان و چشم‌انداز آینده آن در فارسی، مقالات و کتاب‌هایی منتشر شده است. نگارنده در مقاله‌ای دیگر (دهقان، ۱۳۸۵) به جنبه‌هایی از این موضوع پرداخته است. در آن مقاله گفته شده که سه امتیاز برجسته اینترنت تعاملی بودن، فرامتنی بودن و چندرسانه‌ای بودن است. نتایج نظری این امتیازات در روزنامه‌نگاری توجه بیشتر به آگاه‌سازی به‌جای اقناع، فعالیت و کنترل بیشتر از سوی شهروندان و خوانندگان، برقراری ارتباط دوسویه و جایگزینی آن با ارتباط یک‌سویه، و انعطاف‌پذیری بیشتر در زمان استفاده از محتوای صفحات روزنامه‌های

## رشد روزنامه‌های الکترونیک و تارنماهای خبری تحولی در شیوه جست‌وجو، کسب خبر و آگاهی مردم از رویدادها را به‌وجود آورده است و دسترسی به حجم اطلاعات را بیشتر و آسان کرده است

منابع جلب کرده است (۲۱/۸ درصد). همچنین اگر جامعه آماری براساس سن و تحصیل تفکیک شوند، افراد جوان‌تر و با تحصیلات بالاتر، بیشتر احتمال دارد که اینترنت را به‌عنوان منبع مورد اعتماد معرفی کنند.

اما این یافته‌ها درخصوص رشد استفاده از روزنامه‌نگاری الکترونیک و اعتمادی که خوانندگان جوان‌تر و تحصیل کرده‌تر نسبت به آن داشته‌اند، ممکن است بیشتر به دلیل نبودن این فناوری و جذابیت بیشتر، راحتی و ارزان بودن استفاده از گزارش‌ها، خبرها و تفاسیر ارائه شده در صفحات اینترنتی باشد. به عبارت دیگر این اطلاعات

کیفیت روزنامه‌نگاری جدید و انواع قالب‌های آن را روشن نمی‌کند. در اینجا می‌خواهم یافته‌های تحقیقاتی را مرور کنم که این جنبه‌ها را نشان می‌دهد. اولین موضوع ویژگی‌های روزنامه‌نگاران جدید است. تولیدکنندگان روزنامه‌های اینترنتی چه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

و جامعه‌شناختی دارند؟ مارک دوز (۲۰۰۲) با حدود یکصدوپنجاه روزنامه‌نگار در هند و بلژیک

گفت‌وگو کرد. این گفت‌وگوها نشان داد این نوع روزنامه‌نگاران تحصیلات بالایی دارند، نسبتاً جوان هستند، بیشتر از جنس مذکرند و در تحریریه‌ای برخط با تعداد کارکنان کم کار می‌کنند؛ آنها بیشتر وقت خود را پشت کامپیوتر خود برای پژوهش و گزارش‌گیری می‌گذرانند و به ندرت تحریریه را ترک می‌کنند.

علاوه‌بر این، نتایج گفت‌وگوها نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری برخط عمدتاً فناوری راهبر، مخاطب‌محور و خدمت‌مدار در فضای رسانه‌ای امروزی است. بدیهی است این رویه‌ها، کار روزنامه‌نگاری و معیارها و مهارت‌های آن را تغییر می‌دهد. از یک طرف روحیه خدمت به مخاطبان می‌تواند قدمی در راه دموکراتیک‌ساختن برای مردم تلقی شود، ولی از سوی دیگر مسائل و ارزش‌هایی مثل دقت، عینیت و اعتبار را بیشتر مورد تردید قرار دهد و تمایز میان محتوای نوشتاری و تبلیغات را کمرنگ کند.

بنابراین اهمیت ورود فناوری جدید به صحنه روزنامه‌نگاری صرفاً به این موضوع محدود نمی‌شود که سرعت و حجم اطلاعات بیشتر شده و دسترسی مخاطبان آسان‌تر و آزادانه‌تر می‌شود. این جنبه‌ها گرچه مهم است، ولی تضمین‌کننده کیفیت محتواهای روزنامه‌نگاران نیست. آنچه می‌تواند این کیفیت را کامل کند، مالکیت و مدیریت بر فناوری جدید است.

اسکات (۲۰۰۵) با در نظر گرفتن کنترل بر فناوری جدید، تصویر ناخوشایندی از روزنامه‌نگاری ارائه می‌کند. به نظر وی وضع روزنامه‌نگاری درحال بدترشدن است. با ورود اینترنت مقابل رسانه‌های سودجو و رسانه‌های خادم مردم نه تنها برطرف نشده، بلکه تشدید شده است. به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که



## فراز و فرود اقتصاد جدید موجب پیدایش رسانه‌های مردمی، تولید خبر به صورت غیرمتمرکز و سیاست آگاهانه‌تر نشده، بلکه راهبردهای اقتصادی و تجاری سخت‌تری را در پی داشته است

با مالکیت و مدیریت بی‌ارتباط نیست و آن نوع یا فرمت این نوع صفحات است. پژوهش‌های تجربی دربارهٔ روزنامه‌نگاری الکترونیک یا نام‌های دیگری که برای آن به کار گرفته شده، مثل روزنامه‌نگاری سایبر، روزنامه‌نگاری برخط (آنلاین)، روزنامه‌نگاری دیجیتال، رسانه‌های پیوسته و مواردی دیگر، زیاد نیست. در میان این نوع پژوهش‌ها نیز مواردی که محقق، بر تمایز اشکال متفاوت روزنامه‌ها یا شبه‌روزنامه‌های اینترنتی و پیامدها و عملکردهای هر کدام تأکید کرده باشد، کم است.

دو مورد از این پژوهش‌ها را ناتالیا کراسنوبوکا (۲۰۰۲) و مارک دوز (۲۰۰۳) منتشر کرده‌اند. کنار هم قراردادن نتایج این دو تحقیق از این رو اهمیت دارد که اولی معطوف به جوامعی است که کمتر دربارهٔ آنها تحقیق شده و دومی مربوط به جوامعی است که نوعاً تحقیقات زیادی دربارهٔ آنها صورت گرفته است. همان‌طور که کراسنوبوکا گفته است، برقراری تمایز میان نسخه‌های برخط رسانه‌های سنتی و وبسایت‌های خبری که سازمان‌ها و گروه‌های مدنی و غیردولتی راه‌اندازی کرده‌اند و رسانه‌های برخط اصیل مهم است. نباید با نسخه‌های پیوسته رسانه‌های سنتی که از اینترنت فقط به‌عنوان ابزار و راه جدیدی برای جلب مخاطب استفاده می‌کنند و وبسایت‌های خبری و اطلاعاتی گروه‌های مدنی، که اینترنت تنها راه ارتباطی و بیان نظر و دیدگاه‌هایشان است، یکسان برخورد کرد. گروه اول الزاماً از طریق روزنامه‌نگاری برخط نظر متفاوتی بیان نمی‌کنند و گروه جدیدی از مخاطبان و شهروندان را نمایندگی نمی‌کنند. اما گروه دوم ممکن است دیدگاه و مسائل متفاوتی را مطرح کرده و گروه متفاوتی از شهروندان را نمایندگی کنند. مشاهدات و تحلیل کراسنوبوکا دربارهٔ اوکراین و روسیه که خود آنها را جوامع در حال انتقال می‌نامد، براساس همین تمایز میان نسخه‌های برخط روزنامه‌نگاری و نسخه‌های سنتی روزنامه‌نگاری است. بنابر مشاهدات وی نسخه‌های برخط رسانه‌های منحصربه‌فرد در این دو جامعه‌اند. این نوع

خبر مستقل ناگزیر جای خود را به نوعی فعالیت تجاری با محوریت سود و نفع شخصی بدهد که ظاهرش خبر است، ولی اصلت خبر را ندارد. بدین ترتیب فناوری‌ای که زمانی تصور می‌شد مشکلات روزنامه‌نگاری مرسوم را برطرف می‌کند، احتمال دارد به‌مثابهٔ ابزار، در خدمت همان منافی درآید که ریشه در بحران و مشکلات دارند. به‌نظر اسکات، فراز و فرود اقتصاد جدید موجب پیدایش رسانه‌های مردمی، تولید خبر به صورت غیرمتمرکز و سیاست آگاهانه‌تر نشده، بلکه راهبردهای اقتصادی و تجاری سخت‌تری را در پی داشته است که به‌سرعت کنترل بیشتری حتی بر اطلاعات اعمال می‌کنند و تعداد شرکت‌های رسانه‌ای را هرچه بیشتر کاهش داده و انحصار خبری و اطلاعاتی خود را گسترش می‌دهند. در نتیجه شیوه‌های تولید روزنامه‌نگاری تغییر می‌کند و طبقه‌ای از روزنامه‌نگاران پرورش می‌یابند که استعدادشان استفاده از محتواهای از قبل تنظیم‌شده، بسته‌بندی‌شده و چندرسانه‌ای است.

گاهی مواردی از فعالیت‌های مبتنی بر افزایش امکان اظهارنظر مردمی و سهولت برقراری ارتباطات مردمی مشاهده می‌شود. برای مثال «مرکز روزنامه‌نگاری مدنی پیو» از یک مورد از اینگونه تلاش‌ها در مجلهٔ رکورد در شمال نیوجرسی حمایت مالی کرد. این مجله سازمان‌های محلی زیادی را به هم مرتبط ساخت و فرصت و امکان اظهارنظر شهروندان را فراهم کرد و مباحث آزاد را به‌دقت مورد حمایت و نظارت قرار داده و نوعی روزنامه‌نگاری با کیفیت بالا و چندرسانه‌ای را ایجاد کرد، که محبوبیت زیادی در میان اهالی به‌دست‌آورد. با وجود این، چنین اقدامی خیلی پرهزینه و برای یک شرکت بزرگ ملی که استراتژی آن تمرکز و همگون‌سازی است، مخاطره‌آمیز می‌باشد و کمتر در اولویت‌های مدیران تجاری واقع می‌شود (اسکات، ۲۰۰۵).

علاوه بر مالکیت و مدیریت بر سایت‌های روزنامه‌ای یا شبه‌روزنامه‌ای در فضای اینترنت، عامل دیگری وجود دارد که در ارزیابی روزنامه‌نگاری جدید شایستهٔ توجه است و خود



## روزنامه‌نگاری عمدتاً فناوری راهبر، مخاطب‌محور و خدمت‌مدار در فضای رسانه‌ای امروزی است

رسانه‌ها از نظر ساختاری انعطاف‌پذیرند، متحرکند و گروه‌های کوچکی از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و مشتاقان این فعالیت آنها را اداره می‌کنند. بیشتر این رسانه‌ها وابستگی به گروه‌های سیاسی یا اقتصادی ندارند و با پشتیبانی مالی خود یا گروه‌های مدنی بین‌المللی فعالیت می‌کنند. درجه‌بندی ماهیانه بسیاری از صفحات پیوسته اصیل با درجه‌بندی اشتراک بسیاری از روزنامه‌ها و مجله‌ها برابری می‌کند.

نتیجه دیگری که از پژوهش کراسنوبوکا به دست می‌آید، خصلت مقاومتی، مقابله‌ای و انتقادی رسانه‌های برخط اصیل است. در این دو کشور رسانه‌های برخط اصیل به صورت شکلی از واکنش به سانسور و خودسانسوری در رسانه‌های سنتی ظاهر شده‌اند. به نظر کراسنوبوکا این استقلال و تفاوت نظر ضمن اینکه می‌تواند به توسعه دموکراسی کمک کند، یک کارکرد ناخواسته و نامطلوب هم دارد. برای بخشی از مخاطبان اینترنت و از نظر مراجع اقتدار رسمی این تصور پیدا می‌شود که رسانه‌های اصیل برخط رسانه‌های مخالف محسوب می‌شوند و بنابراین توازن ندارند و اطلاعات جانبدارانه ارائه می‌کنند، حتی زمانی که تحلیل مستقل عرضه کنند. با وجود نکته گفته شده از آنجا که این رسانه‌ها تحت کنترل دولت نیستند و وابستگی به صاحبان منافع کلان ندارند، اطلاعات متفاوتی عرضه می‌کنند و این اطلاعات مقامات را مجبور به واکنش می‌کند.

در هر دو کشور اوکراین و روسیه مواردی مشاهده شده است که رسانه‌های اصیل برخط در اولویت‌های سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند، برای مثال این نوع فعالیت‌ها در تحولات خاص جنگ چچن، ایراد اتهامات علیه رئیس‌جمهور اوکراین و رئیس سابق خدمات امنیتی و افشای تقلب و سرقت ادبی رئیس کارکنان ستاد ریاست جمهوری مؤثر واقع شده‌اند.

بنابراین اگر وضع مذکور درباره رسانه‌های اصیل برخط در اوکراین و روسیه ادامه پیدا کند، این نوع رسانه‌ها در دموکراتیک‌سازی جوامع در حال انتقال می‌توانند همان نقشی را ایفا کنند که رسانه‌های سنتی در دموکراسی‌های جاافتاده

بازی کرده‌اند. درست است که این نوع رسانه‌ها مخاطبان محدودی دارند و بیشتر مورد استفاده طبقه متوسط بالا قرار دارند که دسترسی به اینترنت دارند، ولی در عین حال این افراد از نظر سیاسی فعال‌ترین افراد جامعه هستند که می‌توانند بر فرآیند تصمیم‌گیری اثر بگذارند و اطلاعات پیوسته خود را به گروه‌های بزرگ‌تر جمعیت انتقال و تسری دهند.

مقاله کراسنوبوکا از دو جهت به تشریح چگونگی مؤثر واقع شدن روزنامه‌های الکترونیکی کمک می‌کند؛ یکی از نظر تفکیک میان رسانه‌های برخط اصیل و آن دسته از رسانه‌های برخط که نسخه‌های مشابه رسانه‌های سنتی هستند و نظر متفاوتی عرضه نمی‌کنند. بنابراین روزنامه‌های برخط در صورتی می‌توانند به ارتقای روزنامه‌نگاری کمک کنند و





### روزنامه‌های برخط در صورتی می‌توانند به ارتقای روزنامه‌نگاری کمک کنند و نقشی در تحول اجتماعی داشته باشند که نظر متفاوتی با نظر رسانه‌های سنتی ارائه کنند

مباحثه. این چهار نوع در گستره‌ای قرار دارند که یک سر آن وب‌سایت‌های با محتوای تحریریه‌ای است (از جمله بنرهای تبلیغاتی، اطاق‌های گفت‌وگو، مقاله‌های پژوهشی و غیره). محتوای تحریریه‌ای، متونی (کلمات نوشتاری یا صوتی) است که روزنامه‌نگاران تولید کرده‌اند. سر دیگر این پیوستار، پیوند مردمی است. سایت‌های نوع اول نزدیک به سر اول و سایت‌های نوع چهارم بیشتر نزدیک به سر دوم قرار می‌گیرند و دو دسته سایت دیگر وسط این دو قرار می‌گیرند. پیوند مردمی به معنای روزنامه‌نگاری گفت‌وگویی است، یعنی نوعی روزنامه‌نگاری که مقصودش ارتقای بحث عمومی و وارد کردن ساکنان محلی در تولید گزارش‌های خبری است.

گسترده‌ترین شکل تولید رسانه‌های خبری برخط، سایت‌های خبری جریان اصلی است که عموماً منتخبی از محتوای تحریریه‌ای هستند که حداقلی از ارتباط مشارکتی را عرضه می‌کنند. این محتوا یا محتوای اصیل یعنی اصالتاً برای وب تولید شده است یا محتوای جمع‌شده از رسانه‌های مآخذ که با آنها پیوند برقرار شده است. نمونه‌های اصیل یا تولیدی سایت‌های جریان اصلی «سی. ان. ان» و «بی. بی. سی» است که فراوان مورد بازدید قرار می‌گیرند. این نوع از سایت‌های خبری، تفاوت چندانی با روزنامه‌نگاری چاپی یا روزنامه‌نگاری رادیوتلوویزیونی از نظر رویکرد به گزارش‌گری روزنامه‌نگارانه، ارزش‌های خبری، و روابط با مخاطبان ندارند. این نوع سایت‌ها با شبکه‌های نسبتاً بسته مالکان و شرکت‌های رسانه‌ای مثل «تایم وارنر» اداره می‌شوند. «سایت‌های نمایه‌ای و مقوله‌ای» کمتر در سازمان‌های

نقشی در تحول اجتماعی داشته باشند که نظر متفاوتی با نظر رسانه‌های سنتی ارائه کنند؛ وجه دوم ارائه اطلاعات درباره روزنامه‌نگاری الکترونیک در جوامعی است که در حال تحول خوانده می‌شوند و در آنها رسانه‌های سنتی و نهادهای سیاسی، به اندازه‌ای که در جوامع صاحب دموکراسی مشاهده می‌شود، آزادانه عمل نمی‌کنند.

با وجود اینکه تفکیکی که کراسنوبوکا، میان رسانه‌های اصیل برخط و رسانه‌های سنتی عرضه‌شده در محیط اینترنت به عمل آورده، مهم است، ولی این تفکیک به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته از نظر استفاده از اینترنت و از نظر تکامل نهادهای دموکراتیک همچنان جای توسعه و تدقیق دارد. مارک دوز در مقاله «وب و روزنامه‌نگاری‌های آن: ملاحظه پیمدهای انواع رسانه‌های خبری آنلاین» این جنبه را مورد توجه و کاوش قرار داده است. وی چهار شکل خاص از روزنامه‌نگاری برخط را از جهت ویژگی‌های مهم نشر برخط یعنی فرامتنی بودن، تعاملی بودن و چندرسانه‌ای بودن مورد بحث قرار می‌دهد و اثرهای موجود و بالقوه هر یک از این روزنامه‌نگاری را بر کارکرد و روزنامه‌نگاری در دموکراسی‌های انتخابی کاوش می‌کند.

در پژوهش دوز، روزنامه‌نگاری برخط شکلی از روزنامه‌نگاری تلقی می‌شود که تقریباً به‌صورت انحصاری برای شبکه گسترده جهانی تولید می‌شود. این شکل روزنامه‌نگاری خود به چهار نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از: سایت‌های خبری جریان اصلی؛ سایت‌های نمایه‌ای؛ سایت‌های تفسیری و فراسایتی؛ و سایت‌های مرابطه و

## گسترده‌ترین شکل تولید رسانه‌های خبری، سایت‌های خبری جریان اصلی است که عموماً منتخبی از محتوای تحریریه‌ای هستند که حداقلی از ارتباط مشارکتی را عرضه می‌کنند

«پویتنرز مدیا نیوز» از جمله این نوع سایت‌هاست. گاهی نیز مقصود از این دسته سایت نمایه‌ای و مقوله‌ای گسترده است. «یورپ مدیا» از این موارد است. در این نوع روزنامه‌نگاری برخط که وجه انتقادی یا صداهای رسانه‌ای جایگزین دارد، محتوای تحریریه‌ای را شمار متنوعی از روزنامه‌نگاران تولید می‌کنند و اصولاً محتوایی را که در جای دیگر اینترنت یافت شده است، مورد بحث قرار می‌دهند. چنین محتوایی از نظر فرآیندهای تولید رسانه‌ای به‌صورت اجمالی و اصولی بررسی می‌شوند. این نوع «روزنامه‌نگاری درباره‌ی روزنامه‌نگاری» یا فرارسانه یا فراروزنامه‌نگاری به‌ویژه به‌صورت برخط رونق پیدا کرده است. از این نظر یعنی نظارت اهل حرفه روزنامه‌نگاری بر روزنامه‌نگاری، اینترنت به حرفه‌ای شدن بیشتر روزنامه‌نگاری در کل کمک کرده است. یکی از وجوه مهم این نوع روزنامه‌نگاری برخط، ظهور گسترده سایت‌های خبری به‌اصطلاح «جایگزین» است. سایت‌های خبری جایگزین خود را بر حسب آنچه سازمان‌های خبری جریان اصلی فاقد آن هستند، تعریف می‌کنند. این نوع سایت‌ها نه تنها خبرهای خود را به‌صورت برخط عرضه می‌کنند، بلکه خبرهای عرضه‌شده در شبکه‌های رسانه‌ای موجود را نقد می‌کنند و کاربران را به منابعی غیر از مجموعه عرضه‌شده از سوی رسانه‌های جریان اصلی به‌صورت برخط هدایت می‌کنند. برای مثال «آلترناتیو پرس سنتر» حاوی پایگاه گسترده‌ای از داده‌ها درباره «صداها و نظرهای جایگزین» در اینترنت است. بسیاری از این سایت‌ها به‌عنوان روزنامه‌نگاری برخط حضور دارند، به‌گونه‌ای که منابع خبری را در وب جمع‌آوری

رسانه‌های جریان اصلی قرار می‌گیرند؛ نمونه این نوع سایت‌ها، موتورهای جست‌وجوی خاص مثل «یاهو» است. در این نوع سایت‌ها روزنامه‌نگاران برخط به سایت‌های خبری موجود در شبکه گسترده جهانی پیوند می‌دهند. این فرامتن‌ها گاهی دسته‌بندی شده‌اند و حتی ممکن است از سوی گروه سردبیری حاشیه‌نگاری شده باشند. مباحث حرفه‌ای درخصوص «اخلاق شبکه» و «فرهنگ وب»، تجمع محتوای سایت‌های دیگر را مورد سؤال قرار می‌دهند، زیرا مرز چندان روشن و متمایزی میان ارائه یک پیوند به سایتی و رونوشت‌برداری از سایت دیگر و گذاشتن آن در سایت خود وجود ندارد. این نوع سایت‌ها عموماً محتوای تحریریه‌ای «اصیلی» عرضه نمی‌کنند، یعنی محتوایی که انحصاراً یا اختصاصاً برای انتشار در وب تولید شده باشد، ولی گاهی فضاهایی برای چت یا مبادله خبر، ارائه توصیه‌ها و پیوندهایی برای عموم مردم فراهم می‌کنند. برای مثال ممکن است نوعی نظام اعلانات و اطلاعیه‌ها را فراهم ساخته و از آن حمایت کنند.

چیزی که غالباً روزنامه‌نگاری برخط «جدید» خوانده شده، پدیده وبلاگ یا «بلاگ» است که نشریه‌های خاطره‌نویسی برخط شخصی هستند که نویسنده آن ممکن است روزنامه‌نگار باشد یا نباشد. این نوع نشریه‌ها، درباره تجارب یک شخص گزارش‌هایی ارائه و تفاسیر و پیوندهایی برای خوانندگان عرضه می‌کنند. این نوع تفاسیر ممکن است مرتبط با گردش نویسنده در وب باشد یا بی‌ارتباط با آن. این نوع روزنامه‌نگاری شخصی را می‌توان جایی میان روزنامه‌نگاری برخط جریان اصلی و روزنامه‌نگاری نمایه‌ای قرارداد، اگرچه ارتباط مشارکتی محدودی را ارائه می‌کنند، محتوای فراوان و شرح بر محتوای دیگر تولید می‌کنند.

پایگاه‌های تفسیری و فراسایتی، نوع سوم روزنامه‌نگاری برخط را تشکیل می‌دهند. این دسته شامل سایت‌هایی از رسانه‌های خبری و مسائل رسانه‌ای در کل می‌شوند. گاهی مقصود از این سایت‌ها نقد رسانه‌ای و دیده‌بانی رسانه‌ای است. در امریکا، «مدیا چنل آ»، «فریدام فروم آ» و



**علاوه بر مالکیت و مدیریت  
بر سایتهای روزنامه‌ای یا  
شبه‌روزنامه‌ای در فضای اینترنت،  
عامل دیگری وجود دارد که در ارزیابی  
روزنامه‌نگاری جدید شایسته توجه  
است و خود با مالکیت و مدیریت  
بی‌ارتباط نیست و آن نوع یا فرمت این  
نوع صفحات است**

است. درباره روزنامه‌نگاری برخط می‌توان هدف دیگری را اضافه کرد. آن هدف، عرضه «میدان‌هایی» برای شهروندان شبکه‌ای و فراهم‌سازی ابزارهایی برای مبادله عقاید و اطلاعات موردنیاز برای تحقق آزادی و حکومت بر خود است. با در نظر گرفتن این توضیح، شکل چهارم روزنامه‌نگاری برخط یعنی مرابطه و مباحثه از نظر ارتباط و گفت‌وگوی مردم با مردم بارز و برجسته است.

کرده یا بر آنها حاشیه و تفسیر نوشته و آشکارا بر مسائل و زاویه‌هایی از رویدادها و موضوعات تمرکز و توجه می‌کنند که فکر می‌کنند «روزنامه‌نگاری جریان اصلی» پوشش نداده یا نحوه پوشش رضایت‌بخشی نداشته‌اند. از آنجاکه در بیشتر این سایتهای افراد می‌توانند مطالب و نظرهای خود را وارد کنند، می‌توان آنها را فراسایتهایی در نظر گرفت که تقریباً به صورت «مشارکتی» عمل می‌کنند.

دسته چهارم از انواع روزنامه‌نگاری برخط «سایتهای مرابطه و مباحثه» است. این سایتهای به خصیلت اصلی اینترنت یعنی تسهیل ارتباط مردم دنیا با یکدیگر بدون مانع و در زمان واقعی نزدیک‌ترند. این نوع سایتهای با استفاده از امکانات فراهم‌شده با فناوری جدید اینترنت مبادله افکار و گزارش‌ها را فراهم می‌سازند. اغلب این نوع صفحات درباره موضوع خاصی مثل فعالیت علیه جهانی‌شدن سازماندهی شده‌اند. این نوع روزنامه‌نگاری که به «وبلاگ‌های گروهی» نیز شناخته شده‌اند، نظرات و ارزیابی‌های شخصی افراد درباره تجاربشان را در اینترنت عرضه می‌کند.

**حاصل کلام**

بر اساس آنچه مطرح شد، می‌توان گفت تحول بزرگی رخ داده، و تحولات بزرگ‌تری - به‌ویژه برای کشورهای که رشد بالایی در استفاده از اینترنت دارند - در راه است. ایران یکی از این کشورهاست. به گزارش سایت اینترنت ورلد استیت<sup>۲</sup>، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی رشد کاربران اینترنت در ایران ۳۱/۱ درصد بوده و اکنون رقم کاربران اینترنت ۲۳ میلیون نفر و حدود ۵۵ درصد کل کاربران در خاورمیانه است. این ارقام به معنای ضریب نفوذی معادل ۳۵ درصد در آذرماه سال ۱۳۸۷ است که ایران را میان بیست کشور اول جهان از نظر تعداد کاربر اینترنت قرار می‌دهد. البته این رشد فوق‌العاده در استفاده کلی از اینترنت به معنای رشدی مشابه در استفاده از اینترنت به عنوان منبع خبری و روزنامه‌نگاری نیست. اما این بستر می‌تواند در آینده نزدیک تغییرات مهم‌تری را به دنبال

هریک از چهار نوع سایتهای خبری را می‌توان رسانه‌هایی تلقی کرد که به قلمرو حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تعلق دارند، زیرا کارکرد بیشتر این سایتهای مشابه هدف اصلی روزنامه‌نگاری، طبق تعریف آن در دموکراسی‌های انتخابی است. این هدف، فراهم‌ساختن اطلاعات برای شهروندان

## چیزی که غالباً روزنامه‌نگاری «جدید» خوانده شده، پدیدهٔ وبلاگ یا «بلاگ» است که نشریه‌های خاطره‌نویسی شخصی هستند که نویسندۀ آن ممکن است روزنامه‌نگار باشد یا نباشد

دسته‌بندی وی است. وبلاگ‌نویسی در ایران هرروز در حال افزایش است. اولین وبلاگ فارسی در سال ۱۳۸۰ فعال شد. در سال ۱۳۸۴ ایران سومین کشور در حوزهٔ وبلاگ‌نویسی معرفی شد و در سال ۲۰۰۶ میلادی از نظر تعداد وبلاگ به رتبهٔ دوم رسید. علاوه‌بر این از نظر کارکردی و کیفی نیز تحول چشمگیری در این حوزه رخ داده است. طبق یک مطالعه (باستانی و فرمینی، ۱۳۸۷) وبلاگ‌نویسان ایرانی از فضای وبلاگ، بیشتر برای مطرح کردن ارزش‌ها، اعتقادات و موضوعاتی استفاده می‌کنند که در دنیای فیزیکی و رسانه‌های مرسوم کمتر ارائه می‌شود. بسیاری از وبلاگ‌نویسان، فقط برای تفنن به وبلاگ‌نویسی نمی‌پردازند، بلکه موضوعاتی جدی و با اهمیت در جامعه را میان خود، مخاطبان و سایر وبلاگ‌نویسان به بحث می‌گذارند.

### پی‌نوشت‌ها:

1. adehghan@ut.ac.ir
2. Media Channel
3. Freedom forum
4. Pointer's media news
5. Europe media
6. Alternative press center
7. Internetworldstate (<http://www.internetworldstats.com/me/ir.htm>)

داشته باشد. روزنامه‌نگاری اینترنتی، یا به‌عبارت دقیق‌تر ارائهٔ صفحات روزنامه‌مانند در اینترنت و روزنامه‌خوانی اینترنتی، در ایران حدود ۱۰ سال بیشتر سابقه ندارد. از سه شکل استفاده از اینترنت برای گسترش فعالیت روزنامه‌نگاری و روزنامه‌خوانی یعنی ارائهٔ نسخهٔ فشردهٔ چاپی به‌صورت تصویری، بدون امکان جست‌وجو، روزنامهٔ اینترنتی با امکان جست‌وجو، و ترکیب دو روش (نیم صفحهٔ اول به‌صورت تصویری و بقیهٔ صفحات به‌صورت نوشتاری و با قابلیت جست‌وجو)، در سال‌های اول شکل تصویری بیشتر رایج بود، ولی در سه سال اخیر شکل‌های دوم و سوم برخط نیز رواج درخوری داشته‌اند. علاوه‌بر این، از نظر محتوای عرضه‌شده و سرعت روزآمدسازی نیز، نسخه‌های اینترنتی روزنامه‌های ایرانی با نسخه‌های چاپی تفاوت زیادی ندارند. سرعت روزآمدسازی همان ۲۴ ساعت معمول در روزنامه‌های چاپی است و به‌ویژه از نظر نوع تعامل و سرعت تعامل با خواننده، تفاوت مهمی دیده نمی‌شود.

با وجود موارد فوق، از نظر فراهم‌شدن بستر روزنامه‌نگاری برخط بسیار قابل توجه است. هم‌اکنون نیز نشانه‌هایی از این تحول مشاهده می‌شود. نسخهٔ اینترنتی همشهری که ابتدا به‌صورت نسخهٔ چاپی روزنامهٔ همشهری منتشر می‌شد، از سه سال پیش با تفاوت ساختار تحریریه و موضوعات موردپوشش با اسم همشهری برخط در حال انتشار است. همشهری آنلاین طبق نظر یونس شکرخواه، سردبیر آن، چهل حوزهٔ موضوعی را پوشش می‌دهد که نسبت به نسخهٔ چاپی، موضوعات بیشتری را شامل می‌شود، ضمن اینکه موضوعات موردپوشش جنبهٔ بومی‌تر و محلی‌تری نیز دارد. از ویژگی‌های دیگر این سایت تحریریهٔ مستقل است که با ۱۰ نفر شروع شده، ولی روبه گسترش است. ادامهٔ این تحول می‌تواند تنوع کیفی بیشتر و تعامل بیشتر با خوانندگان را به‌همراه داشته باشد.

اما نزدیک‌ترین شکل فعالیت روزنامه‌نگاری با استفاده از اینترنت در ایران، با انواع روزنامه‌نگاری برخط که مارک دوز معرفی کرده است، وبلاگ‌نویسی است که نوع سوم